

ترس از یک خواستگار

پر سش ویژه

سرکار خانم گ. الف از تهران درباره مشکلی که برای ایشان پیش آمده چنین شرحی داده‌اند:

واهمه از ازدواج

بانویی ۳۳ ساله هستم و بزرگترین مشکل من از همان دوران نوجوانی واهمه از ازدواج بوده‌است. من تک فرزند پدر و مادرم بودم، در حالی که دوازده سال داشتم و تازه شناختن خودم را آغاز کرده بودم پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند و کاخ آرزوهای مرا منهدم کردند. و من هم از همان زمان یک ذهنیت منفی نسبت به ازدواج پیدا کردم. اما این پایان کار نبود. در طی چند سال بعدی خاله و دایی من هم از همسرشان جدا شدند که این اتفاقها هم، نظر منفی من نسبت به ازدواج دوچندان کرد. بعد هم موقعی که ۲۱ ساله و دانشجوی بودم مادرم در یک عمل اشتباه با مرادی بدون شخصیت و خشن از ازدواج کرد که من هیچگاه نسبت به او احساس فرزند و پدر رانداشتم. او در طی دو سالی که با مادرم ازدواج کرده بود تنها فحاشی و خشونت را به عنوان رفتار در پیش گرفته بود. تا اینکه سرانجام این ازدواج هم به جدایی انجامید حال می‌توانید احساس



مرانسبت به ازدواج حدس بزیند و این ذهنیت منفی متأسفانه باعث شد تا در سن مناسب ازدواج یعنی از ۲۴ سالگی تا ۲۸ سالگی چند موقعیت مناسب را به هدر دادم. و بعد هم تعداد خواستگارها کاهش پیدا کرد. اما من چندان از این امر ناراحت نبودم، چرا که همواره این فکر در من حدت گرفته بود که اگر من هم ازدواج کنم به سر نوشت مادرم و بقیه کسانم دچار می‌شوم. اما از طرفی هم در میان اطرافیان و دوستان خود به وضوح مشاهده می‌کنم که با چه انگیزه و هیجانی از ازدواج می‌گویند و با چه خوشحالی و شغفی به خانه بخت می‌روند. تا اینکه سرانجام چند ماه پیشتر یک مورد بسیار جدی از من تقاضای ازدواج کرد و به نظر می‌رسید که واجد شرایط هم باشد. اما به ناگهان از جریانی آگاه شدم که مرا هم به تشویش فرو برده و هم شک و تردید فراوانی در من بوجود آورده‌است.

مردی با پیشینه

در حقیقت من و خانواده‌ام باخبر شدیم که او به خاطر انجام یک تقلب و فساد مالی مدت دو سال و نیم در زندان گذرانده بود. البته او خودش معتقد است که دیگر درس‌های لازم را آموخته و اصلاح شده‌است. اما من مشکلی که دارم، البته به غیر از ذهنیت‌های سابق و تجربه‌های تلخ مادر و کسانم این است که او در زمانی که ما صمیمی‌تر شدیم و قرار و مدار از دواج را می‌گذاشتم چرا حقیقت را درباره پیشینه‌اش به من نگفت؟ و در نتیجه مرا شدیداً در تردید فرو برده که آیا او انسانی روراست و اهل حق و حقیقت است و یا همچنان یک متقلب باقی‌مانده‌است. در هر حال به خاطر این شک در خودم به شما نامه نوشته‌ام تا مرا راهنمایی کنید که اولاً با تردید و بدبینی دائمی خودم نسبت به ازدواج چه کنم و دیگر اینکه در مورد این شخص که به راستی در ابتدا تصور می‌کردم واجد شرایط است و می‌تواند مرا خوشبخت کند چه تصمیمی اتخاذ کنم بهتر است؟ آیا دل به دریا زده‌ام و از آنجا که ممکن است دیگر مورد قابل قبولی با توجه به ۳۳ سال سن که دارم بر این امکان پذیر نشود، به او پاسخ مثبت بدهم، یا اینکه در چنین مورد مهمی چون ازدواج به یک عمل نامطمئن و توأم با شک و تردید دست نزنم و همچنان انتظار بکشم. بی‌صبرانه در انتظار پاسخ شما هستم تا مرا راهنمایی کنید.

ازدواج و عامل ریسک

پرسش ویژه

سرکار خانم گ. الف از تهران

اصل بر ازدواج است

ابتدا در مورد بدبینی شما نسبت به ازدواج که البته تا حدودی هم به شما حق می‌دهم چرا که هر چه که در اطراف خود مشاهده کرده‌اید حاکی از تجربه‌های منفی می‌باشد. شما باید توجه داشته باشید که اصولاً عامل ریسک یا دست به خطر زدن یک عنصر جدایی ناشدنی از ازدواج می‌باشد، یعنی پیش‌بینی اینکه ما به ازدواجی اقدام می‌کنیم که سر تاسر آورنده خوش و خوشبختی باشد، نمی‌تواند یک باور قاطعانه تلقی شود. اما در مقابل آنچه که از دست ما بر می‌آید و باید آن را انجام دهیم، تحقیقات کامل و کافی و شناسایی هر چه بهتر و بیشتر است. و اگر این موارد را به خوبی در نظر داشته باشیم، بنابراین وظیفه خود را انجام داده‌ایم و دیگر باید در انتظار روند ازدواج و اتفاقات و ماجراهای مختلف در خلال ازدواج باشیم تا مسیر آن را تعیین کند. در واقع آنچه را که می‌توان پیش‌بینی کرد همین اتفاق‌ها و ماجراهایی است که در طی سال‌ها از ازدواج پیش می‌آید. بنابراین اگر شما در انتظار یک انتخاب صد در صد موفق می‌باشید، مطمئن باشید که چنین موردی پیش نخواهد آمد هر قدر هم که تحقیقات

شما و تلاش شما برای شناسایی طرف مقابل کامل و بدون نقص باشد، پس بهتر است که در این خصوص جمع‌بندی را کنار بگذارید و مورد به مورد عمل کنید و بهترین مورد را که تا حد اکثر تلاش خود شناخته‌اید انتخاب کنید.

قائل شدن شخصیت برای انسان‌ها

و اما در مورد کسی که او را بهترین مورد تا کنون دانسته‌اید اما به خاطر سوء پیشینه و مجازات زندان و همچنین روراست نبودن درباره آن نسبت به او دچار تردید شده‌اید، ابتدا باید بگویم که هر کس دیگری هم جای شما باشد دچار شک و تردید می‌شود چرا که گذراندن یک دوره طولانی در زندان، شوخی نیست و نمایانگر یک حرکت ضد اجتماعی آن هم بسیار جدی می‌باشد. اما از سوی دیگر شما نباید فراموش کنید که بسیاری معتقدند که کسی که برای خلاف خود مجازات شده و در واقع دین خود را به جامعه پرداخته، نباید به خاطر همان جرم دوباره مدیون محسوب شود. در حقیقت ما باید برای انسان‌ها این بخت را قائل شویم که به راه راست آمده و زندگی جدیدی را آغاز کنند و ما نمی‌توانیم و حق نداریم که برای همیشه دائماً به خاطر همان جرم مجازات کنیم و از حقوق حقه آنها را محروم کنیم. بنابراین اینکه او را به خاطر پیشینه‌اش تردید کنید یک عمل درست نیست و درباره پنهانکاری او هم باید بگویم که اگر چه او در این باره به درستی قضاوت کرده، اما باید قبول کنیم که بسیاری از مردم

اهل گذشت و بخشش نیستند و شخص را به خاطر یک مورد اشتباه همواره تخطئه می‌کنند. بنابراین آنها هم از آن وحشت دارند که درباره پیشینه خود روراست باشند. حال با در نظر گرفتن جمیع جهات سرانجام به آن نتیجه اصلی و اساسی می‌رسیم و آن هم این است که شما درباره همین مورد تا آنجا که می‌توانید به تحقیقات کامل بپردازید. خانواده و کسان و به ویژه دوستان او را شناسایی کنید، رفتار آنها را زیر نظر داشته باشید و ارتباط‌های کنونی آنها را خوب بررسی کنید و در آخر هم به یک نکته توجه کنید که آیا در کنار او احساس خوشبختی و آسایش می‌کنید و می‌توانید در ذهن خود سال‌های سال زندگی مشترک با او را تصور کنید؟ اگر پاسخ مثبت است و همه مشخصات و شناسایی‌ها هم نشان از رفتار و کردار ترمیم شده او می‌دهد، آنگاه دیگر شک و تردید جایز نیست و زوج خود را به دست آورده‌اید. در واقع این احساس شما نسبت به آن شخص است که حرف اول و آخر را می‌زند چرا که حتی این احساس و عاطفه می‌تواند رفتار او را در دوران زناشویی هم کنترل کند و از افتادن او به مسیر خلاف جلوگیری کند. بنابراین اطمینان دارم که در این مورد سرانجام، تصمیم لازم و صحیح را اتخاذ خواهید کرد چرا که پس از این همه صبر و تحمل و تأمل استحقاق آن را دارید ضمن آنکه توان آن را هم دارید. موفق و پیروز باشید.

ازدواجی که به خاطر پول به وجود می‌آید، برای پول هم از بین می‌رود

دوم: دوا